



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com

rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز



نقدی بر حمله مجازی به مجری کودک شو بزرگ شو!

جدیدی پیدا کرد. هجوم به پژمان بازغی در شبکه‌های اجتماعی، اتفاقی تلخ و تامل برانگیز بود که زاویه دیگری از پهنه صورت کریه لمپنیزم مجازی را نمایان ساخت. بازغی که در دهه سوم حضور خود در سینما و سیمای ایران به سر می‌برد، حالا پس از نقش آفرینی در ده‌ها فیلم سینمایی، مجموعه تلویزیونی و تله فیلم چند سالی است که نام خود را به عنوان مجری توانایی نیز مطرح ساخته است. این بازیگر خوش اخلاق سینمای ایران، در جشنواره فیلم فجر امسال نیز با دو فیلم «کاپیتان» و «پرونده باز است» حضور داشت. تصویری که مخاطب طی این سال‌ها از بازغی در ذهن خود ترسیم کرده، اغلب بازیگری خوب و خوش اخلاق بوده است. حتی زمانی که بازغی در اختتامیه بیست و دومین جشنواره فیلم فجر در عین شایستگی (برای نقش آفرینی بی بدیلش در فیلم دوئل) سیمرغ بلورین را در دستان بهرام رادان دید، دم نزاد و چند هفته پیش بود که پس از ۱۹ سال اتفاقاً در گفت‌وگو با روزنامه صبا پرده دلخوری خود برداشت و گفت: «ناراحت شدم که سیمرغ نگرفتم...» اما او طی این سال‌ها سرش گرم حرفه‌اش بوده و کم‌تر به حواشی پرداخته است.

مفاهیم

آزادی بیان، دموکراسی، جامعه مدنی، مردم‌سالاری دینی، حاکمیت قانون، گفتمان جامعه، برابری‌های فردی و اجتماعی و... حق مطلب در باره این مفاهیم تنها زمانی ادا می‌شود که مدعیان آن‌ها، خود به معنای لغوی و کاربرد این اصطلاحات قائل باشند. مگر می‌شود دم از دموکراسی زد اما به دیگران بابت ساختار ایدئولوژی ذهن‌شان خرده گرفت؟ آیا ممکن است کسی خود را فعال اجتماعی در راه تحقق آزادی بیان بداند و در عین حال به دیگران مجال اظهار نظر ندهد و فاجعه‌تر این که به آن‌ها توهین هم روا دارد؟! شوربختانه سطح فکری که به این شکل فقط در صدد به کرسی نشاندن حرف خود است، به منش بسیاری از افراد مدعی آزادی بیان و اندیشه و برابری حقوق اجتماعی تبدیل شده است. در واکنش به برخورد ناخردانه و به عبارت بهتر کود کانه آن دسته از افرادی که به مجری «کودک شو» یورش بردند، شاید بهترین توصیه این باشد که دوست عزیز، لطفاً بزرگ شو!

همچنان بیشترین توجهات کاربران را به خود معطوف می‌کند. پلتفرمی که اعضای بی‌شمارش، گاه بدون توجه به گذشت زمان، ساعت‌ها در آن وقت می‌گذرانند. این شبکه همچنین، خود را به عنوان گسترده‌ترین منبع تولید و عرضه خبر و شبه خبر که گاه صورت رسمی و در بسیاری موارد نیز حالتی غیررسمی دارند، مطرح ساخته است. حالا حتی خبرنگاران نسل جدید نیز گریزی از این شبکه ندارند و برای افزودن بر شعاع ضریب موفقیت خود، از امکانات اینستاگرام، نظیر پست و کپشن و استوری بهره شایان توجهی می‌برند. اینستاگرامی که حدود ۴۰ سال پس از آغاز انقلاب دیجیتال، جایگاهی برای مارکتینگ کارتل تراست‌های بزرگ تجاری نیز بدل شده است. حالا هم نهادهای دولتی می‌کوشند از این پدیده به نحو احسن بهره‌برداری کنند، هم جمعیت‌های غیردولتی در قالب ارگان‌های مردم‌نهاد یا NGO طیف عمده‌ای از توجه خود را به آن معطوف می‌سازند. اینستاگرام خواسته ناخواسته اتفاقی بزرگ در زندگی روزمره انسان است. وسیله‌ای که مثال چاقو و استفاده بهینه یا ناصواب از آن هر چند کلیشه‌وار است اما بهترین توصیف در باب تشریح آن محسوب می‌شود.

یورش ارتش فحاشی به آقای مجری

با این مقدمه نسبتاً طولانی، زمانی که در مقام تحلیل و بررسی یورش ارتش فحاشی با نیروهای گاه مجهول الهویه قرار می‌گیریم، حقیقتی تلخ بیش از پیش خود را عیان می‌سازد. اینکه نیروهای این ارتش مجازی، ابایی از توهین به شخصیت‌های حقوقی و حقیقی ندارند. ماجرا زمانی بعدی غم‌انگیزتر به خود می‌گیرد که دست کم با تفحصی اجمالی در صفحه پروفایل برخی از این افراد، مشخص می‌شود آن‌ها بازه‌ای از سنین نوجوانی تا میانسالی و گاه افراد مسن را تشکیل می‌دهند. شوربختانه مدرک گرایی صرف که طی سه دهه اخیر در کشور رواج یافته نیز خود مزید بر علت شده است تا اشخاص با تحصیلات عالی نیز در این گروه همگن دیده شوند! نظر به این تحقیق‌واره، زمانی که سری جدید برنامه «کودک شو» با اجرای پژمان بازغی، بازیگر و مجری سرشناس سینما و تلویزیون ایران هفته گذشته از سر گرفته شد، ارتش فحاشی مجازی، ماموریت

رویا فخار منش - فحش و فضحیت، دشنام و ناسزا، الفاظ رکیک و شنیع، سب و اهانت، هتاکی و پرده‌داری... شاید باورش بس دشوار باشد که حالا در حدود ربع قرن که از هزاره سوم گذراندیم، این ادبیات (اگر بتوان نام ادبیات بر آن نهاد) ما به مباحث بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی است! ارتش فحاشی که مسلح به الفاظ چارواداری و خالی از لحظه‌ای تفکر به هر شخصیتی با هر رویکردی و باوری یورش می‌برد. در آسیب‌شناسی برای یافتن چرایی ماهیت این پدیده، به یقین عواملی فرهنگی، نگرش خانواده، کانال‌های مختلف اجتماعی شدن، حتی اوضاع اقتصادی و گاهی (فقط گاهی) میزان تحصیلات نیز دخیل است. به یقین از نظر گاه جامعه‌شناسی فردی، از آنجا که انسان منزوی قرن بیست و یکم در عصر بحران روابط بینافردی زیست می‌کند، آستانه تحریک‌پذیری حداقلی را به خود اختصاص داده است. شوربختانه ضد فرهنگ هتاک با سرعتی سرسام‌آور طی دهه گذشته و با گسترش شبکه‌های اجتماعی فیسبوک، توئیتر، تلگرام، واتساپ و اینستاگرام به گفتمان غالب این پلتفرم‌ها بدل شد. با ظهور کلاب‌هاوس و به دلیل ماهیت شنیداری - گفتاری این پلتفرم به نظر می‌رسد می‌توان از ظرفیت آن در ایجاد فضای نسبتاً سالم و عاری از آلودگی‌های نوشتاری خاص شبکه‌های اجتماعی بهره برد. این اتفاق امانه تنها رخ نداد، بلکه اندکی پس از بسط کلاب‌هاوس، اتاق‌های گفتمان با محوریت موارد غیر اخلاقی و اجتماعی، یکی پس از دیگری سر بر آوردند. اتاق‌هایی که گاه از حضور کاربرانی موجه و متعارف نیز بی‌بهره نبود (که البته اغلب به ضدیت با محور اصلی و ماهوی این اتاق‌ها می‌پرداختند). حتی در اتفاقات ماه‌های اخیر نیز زمانی که برخی اتاق‌ها با حضور توامان چند سلبریتی آن‌ور آبی برپا می‌شد، این نوع گفتار به دست‌ور زبان غالب بیشتر آن محافل تبدیل می‌شد.

شبکه‌های اجتماعی و انقلاب دیجیتال

با وجود توسعه روزافزون شبکه‌های اجتماعی، اینستاگرام



شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره‌های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول



www.mci.ir